

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۰۹/۱۶

تعریف صحابه؛ چالشی مهم برای علمای اهل سنت!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله بحث ما قبل از تعطیلات اربعین در رابطه با موضوع «صحابه» بود. عرض کردیم یکی از اساسی‌ترین اختلافات میان دو فرهنگ شیعه و اهل سنت عمدتاً به موضوع صحابه برمی‌گردد.

اگر این قضیه خوب حل شود و آقایان اهل سنت از این اشتباه یا خطا، و یا از این یادگاری منحوس دودمان بنی امیه که به آن معتقدند مبنی بر «عدالت جمیع صحابه» و بهشتی بودن جمیع صحابه، دست بردارند و صحت و سقم این مطالب با قرآن و سنت خوب تطبیق داده شود؛ به نظر می‌رسد نود درصد مشکلات ما حل خواهد شد. من یک مرتبه هم عرض کردم که ما یک سفری به رضوان شهر گیلان به مناسبت اربعین رفته بودیم و جلسه ای داشتیم که اکثر حاضرین در جلسه هم علما و ائمه جمعه اهل سنت بودند که حدود ۱۶۰ نفر بودند. ما در این جلسه در مورد امام حسین (علیه السلام) و فضایل آن بزرگوار از دیدگاه شیعه و اهل سنت بحث داشتیم که من در اواسط صحبت مشاهده کردم این افراد کاغذهایی می‌نویسند و به ما می‌دهند مبنی بر اینکه این مباحث برای ما حل شده است.

نوشته بودند که ما با شما اختلافی در فضیلت امام حسین (علیه السلام) نداریم. شما که از قم آمدید اگر راست می‌گویید بحث صحابه که مورد اختلاف ما هست را در اینجا مطرح کنید.

بنده ابتدا به جهت اینکه این بحث، بحث اختلافی است و شاید به صلاح نباشد به این برگه‌ها اهمیت ن‌دادم. ولی دیدم نامه‌ها پشت سر هم با همین مضمون به دست من رسید. تا اینکه یکی از این افراد که امام جمعه تالش بود، بلند شد و گفت شما قسمت دوم برنامه را در رابطه با صحابه بحث کنید.

با اینکه موضوع بحث ما این نبود و صلاح هم نمی‌دیدم که در این مورد صحبت کنم، اما این افراد ما را در معرض عمل انجام شده قرار دادند.

بنده ابتدا آماری از تعداد صحابه را به آنان دادم و نشان دادم که تعداد صحابه اینقدر است. سپس اقوال صحابه را بیان کردیم و در ادامه گفتیم که ببینیم قرآن کریم در مورد صحابه چه فرموده‌ای دارد.

ما ابتدا آیات مدح صحابه و ذم صحابه را مطرح کردیم، بعد از آن روایاتی که در مذمت و مدح صحابه وارد شده است را بیان کردیم، حدیث حوض را آوردیم، حدیث قرطاس را آوردیم، مخالفت صحابه در قضیه احد و دیگر مسائل از جمله نماز جمعه را مطرح کردیم.

سپس من به اینها گفتم که شما خودتان بالای منبر هستید و خطبه نماز جمعه می‌خوانید. اگر اتفاقی بیرون مسجد بیفتد، تصادفی رخ بدهد یا شخصی میوه فروشی کند و مردم از مسجد بیرون بروند و شما را در حالت خطبه خواندن تنها بگذارند؛ اسم این آقایان را چه می‌گذارید؟!

بنده به آقایان گفتم که هر اصطلاحی که شما برای اینچنین مأمومین خودتان می‌گذارید، برای این افراد که پیغمبر را در حین خطبه خوانی ترک کردند هم بگذارید!!

(وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكَوْا قَائِمًا)

و چون در بین نماز از تجارت و لهوی با خبر می‌شوند به سوی آن متفرق گشته تو را در حال خطبه سر پا رها می‌کنند،

سوره جمعه (۶۲): آیه ۱۱

سپس گفتیم تعدادی از صحابه در زمان رسول گرامی اسلام مرتکب زنا شدند که پیغمبر اکرم بر آنان حد جاری کرد، تعدادی از صحابه شراب خوردند که پیغمبر اکرم بر آنان حد جاری کرد، تعدادی از صحابه دزدی کردند که پیغمبر اکرم دست آنان را قطع کرد.

در زمان خلیفه دوم تعدادی از صحابه بدریین از جمله «قدامة بن مظعون» که در جنگ بدر هم شرکت کرده بود و شما هم می‌گویید خداوند فرمود:

«اعملوا ما شئتم فقد غفرت لكم»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، الناشر: مؤسسة قرطبة -

القاهرة، ج ۱، ص ۷۹، ح ۶۰۰

شراب خورد و خلیفه دوم به او شلاق زد؛ آیا این موارد با عدالت صحابه سازگاری دارد یا نه؟! بنده نیم ساعت در این باره صحبت کردم و تریبون را در اختیار علمای اهل سنت قرار دادم و گفتم: بنده دیگر هیچ حرفی نمی‌زنم. نظر ما همین بود، حال اگر حرف ما اشکالی دارد، آقایان بفرمایند تا ما استفاده کنیم!!

دیدم خبری از نظر و اشکال نشد. سپس در ادامه گفتم: دوستان حداقل ۱۵ نامه به من دادند و آن بزرگوار هم گفت که بحث صحابه را مطرح کنید.

یکی از این افراد در جواب صحبت های من گفت: شما زیاد در مورد صحابه مطالعه دارید و ما در این مورد مطالعه نداریم. این حرف‌هایی که شما زدید را ما تا به حال نشنیده بودیم. احتیاج است که ما برویم مطالعه کنیم و بعد بیاییم جواب شما را بدهیم.

بنده گفتم: شما که آدم عادی نیستید؛ همگی امام جمعه و یا استاد حوزه هستید. بنده هیچ کدام از حرف‌هایی که آوردم را از کتب شیعه نیاوردم، بلکه از کتب اهل سنت و غالباً از کتاب‌های «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» آوردم.

«صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» همانند قرآن در منازل اهل سنت موجود است. در منازل شیعیان بعد از قرآن کریم، «مفاتیح الجنان» وجود دارد و در منازل اهل سنت بعد از قرآن کریم، «صحیح بخاری» موجود است.

امام جمعه محترم رضوان شهر آقای موسوی بلند شد و گفت: آقایان اهل سنت اگر الآن مطلب ندارند، بروند مطالعه کنند. اگر از استان‌های دیگر یا کشورهای دیگر هم علمایی سراغ دارند آن‌ها را دعوت کنند و ما هم این شخص را دعوت می‌کنیم تا به اینجا بیایند و بحث صحابه را مطرح بکنند.

عبارت آقای موسوی مقداری تند بود و صحیح هم نبودند که این طوری بیان بشود. این حرف باعث ناراحتی این آقایان شد و یکی یکی از مجلس بیرون رفتند و ما هم جلسه را خاتمه دادیم.

بنابراین دوستان دقت داشته باشند که بحث صحابه از اساسی‌ترین مباحث شیعه و سنی است. و لازم است که مورد توجه جدی قرار بگیرد.

از طرفی هم دوستان توجه داشته باشند که کتاب‌هایی که عمدتاً در میان اهل سنت نوشته شد، در زمان بنی امیه و یا در زمان بنی عباس بود. به عبارت دیگر عمده کتب روایی اهل سنت از سال ۱۱۰ یا ۱۱۵ نوشته شد. یعنی اینها از این سالها شروع کردند به نوشتن سنت پیامبر!!

پس از آن که بنی عباس روی کار آمدند، سخت‌گیری‌ها بیشتر شد. آن‌ها نمی‌توانستند بسیاری از حقایق را بنویسند و تعدادی از این علما هم مریض القلب بودند و تحت تأثیر جو و تبلیغات قرار گرفته بودند.

تعریف صحابه؛ چالشی مهم برای علمای اهل سنت!

به عنوان نمونه در تعریف صحابه، ما می‌بینیم که این افراد، یک تعریف جامعی که بر او اتفاق نظر داشته باشند، ندارند!! بسیاری از آقایان اعتراف می‌کنند که بحث عدالت صحابه حقیقت ندارد.

«زرکشی» که یکی از اصولیین و مفسرین نامی اهل سنت است و در علوم قرآنی حرف اول را می‌زند، می‌گوید:

«فإن قيل أثبتتم العدالة للصحابي مطلقاً فمن الصحابي قلنا اختلفوا فيه»

اگر کسی بگوید ما ثابت کردیم که تمام صحابه مطلقاً عادل هستند، ولی صحابی کیست؟ ما می‌گوئیم که در معنای صحابی علمای ما اختلاف دارند.

البحر المحيط في أصول الفقه، اسم المؤلف: بدر الدين محمد بن بهادر بن عبد الله الزركشي، دار النشر:

دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت - ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م، الطبعة: الأولى، تحقيق: ضبط نصوصه وخرج

أحاديثه وعلق عليه: د. محمد محمد تامر؛ ج ٣، ص ٣٥٩

البته ما در مورد معنی «عادل» هم بحث خواهیم کرد که اهل سنت تقریباً شبیه ما هستند. عادل به معنای این است که مطلقاً مرتکب گناه کبیره نشود و بر گناه صغیره هم اصرار نرزد. آن‌ها تعبیر ملکه ندارند، بلکه معتقدند روحیه‌ای داشته باشد که به هیچ وجه به طرف گناه و معصیت نرود.

معصیت هم از دیدگاه آنان هیچ فرقی با معصیت از دیدگاه ما ندارد و هردو معتقدیم که به معنای ترک واجبات و اتیان محرّمات است.

در اتیان واجبات ما می‌گوییم که قول خدای متعال و رسول اکرم و ائمه طاهرین برای ما ملاک است، آن‌ها قول خدا و رسول اکرم و سنت صحابه را هم ملاک می‌دانند و معتقدند که اگر کسی مخالفت کند از عدالت بیرون رفته است!!

زرکشی می نویسد:

«فمن الصحابي»

صحابی چه کسی است؟

«قلنا اختلفوا فيه»

علمای ما در این مورد اتفاق نظر ندارند،

یعنی در حقیقت شما اهل سنت، سر بی‌صاحبی را دارید می‌تراشید! شما که معتقد هستید: «الصحابة كلهم

عدول» و یا معتقدید که: «الصحابة كلهم من أهل الجنة قطعاً»؛ اولاً بفرمائید که معنی این صحابه چیست؟

«زرکشی» در ادامه می‌گوید:

«فذهب الأكثرون إلى أنه من اجتمع مؤمنا بمحمد صلى الله عليه وسلم وصحبه ولو ساعة روى عنه أو لا»

اکثراً بر این عقیده هستند که صحابی کسی است که به پیغمبر اکرم ایمان آورده باشد، ولو اینکه یک

ساعت پیغمبر اکرم را دیده باشد. روایت از پیغمبر نقل بکند یا نکند

البحر المحيط في أصول الفقه، اسم المؤلف: بدر الدين محمد بن بهادر بن عبد الله الزركشي، دار النشر:

دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت - ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م، الطبعة: الأولى، تحقيق: ضبط نصوصه وخرج

أحاديثه وعلق عليه: د. محمد محمد تامر؛ ج ۳، ص ۳۵۹

بحث ما در ابتدای کلام اینجاست که آیا رؤیت پیغمبر اکرم ولو یک ساعت می‌تواند یک انسان را عادل کند و در

او ملکه عدالت ایجاد کند یا خیر؟! آیا دیدن رسول گرامی اسلام اکسیر بوده است؟!!

اگر واقعاً دیدن پیغمبر اکرم اکسیر بود و با دیدن ایشان ملکه عدالت ایجاد می‌شد، این همه منافقین و کفار و مشرکین پیغمبر اکرم را دیدند!! آن اکسیر نبی مکرم اسلام که صحابه را عادل و اهل بهشت می‌کرد، چرا مشرکین و منافقین را مؤمن نکرد؟! اگر بناست رؤیت یک ساعت، این خاصیت را داشته باشد، باید این اتفاق می‌افتاد.

در زمان رسول گرامی اسلام بحث ازدواج مشروع خیلی نادر بوده است. در آن زمان ازدواج‌های دسته جمعی فراوان اتفاق می‌افتاد. خود علمای بزرگ اهل سنت از جمله «زمخشری» و دیگران نقل می‌کنند زمانی که معاویه به دنیا آمد، چهار پدر داشت و چهار نفر ادعای پدری او را کردند!!

روزی به رسول گرامی اسلام اعتراض کردند که پیغمبر اکرم انسان خوبی است، اما خانواده خوبی ندارد. نبی گرامی اسلام غضبناک بالای منبر آمدند و گفتند: بعضی افراد چنین حرفی را زدند، آیا پرده را بالا بزنم؟! حضرت در ادامه پدر واقعی چند تن از اصحاب حاضر در جلسه را به آنان معرفی کردند به طوری که آن‌ها خودشان هم از هویت خودشان خبر نداشتند. در این حال، «عمر» بلند شد و گفت: یا رسول الله! از سر تقصیرات ما بگذرید.

گر حکم شود که مست گیرند

در شهر هر آنچه هست گیرند

خود او گفت: همه ما در این قسمت مشکل داریم. این بحث در آن زمان بحثی عادی بود. به علاوه افرادی که دختران را زنده به گور می‌کردند، به تعداد جوانان خودشان، دختری وجود نداشت.

یکی از نکاح‌های رسمی قبل از رسالت پیغمبر اکرم این بود که چند نفر با هم با یک زن ازدواج می‌کردند و ازدواج مشروع خودشان را داشتند. زمانی که بچه این خانم به دنیا می‌آمد، قیافه شناس می‌آوردند و دمش را هم می‌دیدند تا تشخیص بدهد که این بچه متعلق به کدام یک از این افراد است.

مرحوم «میرزا یحیی نوری» کتابی به نام «جاهلیت و آراء بشری» دارد که کتاب قطوری هست. این کتاب، یکی از کتبی است که بنده توصیه می‌کنم دوستان حتماً این کتاب را مطالعه کنند.

ایشان در این کتاب حدود ده، پانزده مورد ازدواج رسمی عصر جاهلیت را توضیح داده است. و تمام این موارد هم ازدواج رسمی بوده است و بحث زنا نبوده است.

در آن زمان بعضی زنان از جمله «هند» مادر معاویه؛ نقل شده است که پرچم قرمزی بر بالای در خانه خود داشته است که نشانگر این بود که فاحشه رسمی هستند. حال ما کاری با این افراد نداریم، اما ازدواج‌های معقول و رسمی و مشروع زمان جاهلیت به پانزده نوع می‌رسید.

آیا شخصی با این وضعیت هویت، اگر یک ساعت پیغمبر اکرم را دیده باشد، عادل و اهل بهشت محسوب می‌شود؟! آیا واقعاً این حرف درست است؟! مشاهده کنید بعد از نزول آیه شریفه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، جز این نیست که شراب و قمار و بت‌ها، یا سنگ‌هایی که برای قربانی نصب شده و چوبه‌های قرعه، پلید و از عملیات شیطان است. پس دوری کنید از آن‌ها، شاید که رستگار شوید.

سوره مائده (۵): آیه ۹۰

کبار صحابه شراب می‌خوردند، مست می‌شدند و بر سر و کله همدیگر می‌کوبیدند و برای کشته‌های کفار در بدر اشعار و مرثیه سرایی می‌کردند. این افراد واقعاً با دیدن رسول گرامی اسلام عادل شدند؟!

در هر صورت یک معنای درستی از صحابه در میان علمای اهل سنت نیست. شما ببینید «ابن صلاح» که از محدثین نامی و از رجالیون پرآوازه اهل سنت است، می‌گوید:

« اِخْتَلَفَ أَهْلُ الْعِلْمِ فِي أَنَّ الصَّحَابِيَّ مَنْ؟ »

معرفة أنواع علوم الحديث (مقدمة ابن الصلاح)؛ ابن الصلاح، عثمان بن عبد الرحمن (م ۶۴۳)، تحقیق:

عبد اللطيف الهميم و ماهر ياسين الفحل، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۳ هـ.ق.؛ ص ۲۹۳

این آقایان خودشان یک شعری گفتند که در قافیه آن گیر کردند.

«بخاری» به صراحت در تعریف صحابه می‌گوید:

«وَمَنْ صَحِبَ النَّبِيَّ أَوْ رَأَاهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَهُوَ مِنْ أَصْحَابِهِ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۳، ص

۱۳۳۵، كتاب فضائل الصحابة باب فضائل أصحاب النبي

شخصی شترچران بوده است، به مدینه آمده است تا چیزی بخرد، از پنجره مسجد نگاه کرده است پیغمبر اکرم

را بالای منبر دیده است که دارد حرف می‌زند؛ به اعتقاد اهل سنت این شخص صحابی است!! آیا این ملاک

صحيح است؟!

از «أحمد بن حنبل» سؤال می‌کنند: آیا اصحاب بودن حد و مرزی دارد که ما بشناسیم؟! گفت: نه!

« هل للصحة حدٌ تحدده؟ قَالَ: لا ، وَمَنْ صحبَ النبي ولو ساعة، فهو من أصحابِ رسول الله»

مسائل الإمام أحمد بن حنبل وابن راهويه، اسم المؤلف: إسحاق بن منصور أبو يعقوب التميمي المروزي،

دار النشر : دار الهجرة - الرياض / السعودية - ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٤ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: خالد بن

محمود الرباط؛ ج٢، ص ٥٣٣

اگر فضیلت پیغمبر اکرم اینقدر بالاست که شخص با یک ساعت دیدن عادل می شود، عمل منافقین چه توجیهی دارد؟!

مشاهده کنید یکی از علمای مصر کتابی نوشته است به نام «النفاق و المنافقین فی القرآن» که ثابت کرده است ده جزء قرآن کریم در مورد منافقین نازل شده است!!

ما می گوئیم: شما که معتقدید مجرد دیدن پیغمبر اکرم شخص را عادل می کند، منافقین را چکار کنیم؟ منافقین که همگی مسلمان بودند و نمی گفتند ما نامسلمان هستیم. شما هم که در اینجا نمی گوئید «أسلم بقلبه» و منافقین را هم که استثناء نکردید.

بهترین شاهد جنگ احد است که هزار نفر می خواهند به احد بروند، اما در وسط راه سیصد نفر همراه «عبدالله بن ابي» برمی گردند. به عبارتی دیگر یک سوم سپاه پیغمبر اکرم منافق هستند. این افراد همگی پیغمبر اکرم را دیده اند و به رسول گرامی اسلام ایمان آوردند!! اینها را چه کار باید بکنیم!؟

این بحث، یکی از بحث های خیلی اساسی است که ما ان شاء الله در بحث منافقین عرض خواهیم کرد. بزرگان اهل سنت از جمله «نووی» به صراحت می گویند:

«ان المنافقین يعدون من اصحاب النبي»

منافقین از اصحاب پیغمبر اکرم شمرده می شوند.

قرآن کریم هم در مورد منافقین می گوید:

(إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ)

منافقان در طبقه زیرین جهنم اند،

سوره نساء (۴): آیه ۱۴۵

این چه عدالتی شد؟! ما ان شاء الله بحث «صحابه در قرآن» را مطرح می کنیم، آیات مادحه را جدا می آوریم و آیات ذامه را هم جدا می آوریم. به قول بابا طاهر:

هنی لا تقنطوا خوانی عزیزم

مگر یا ویلتا نا خواندنی بی

آقایان همه اش چسبیدند به آیات مادحه ای همچون:

(لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ)

خدای تعالی آن روز که مؤمنین در زیر آن درخت با تو بیعت کردند،

سوره فتح (۴۸): آیه ۱۸

یا:

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ)

محمد رسول خدا است و کسانی که با او هستند علیه کفار شدید و بی رحماند و در بین خود رحیم و

دلسوزند،

سوره فتح (۴۸): آیه ۲۹

یا:

(وَ السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ)

و پیشروان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی پیرویشان کردند خدا از آنان راضی است،
و ایشان نیز از خدا راضی اند،

سوره توبه (۹): آیه ۱۰۰

این آقایان همین چند آیه را مرتباً می‌خوانند. آقایان مرتب می‌گویند صحابه عادل هستند و عادل هم به معنای
این است که فاسق نیستند؛ درحالی که قرآن کریم می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ)

هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی خبری برایتان آورد تحقیق کنید تا مبدا ندانسته به قومی
بی گناه حمله کنید و بعداً که اطلاع یافتید از کرده خود نادم شوید.

سوره حجرات (۴۹): آیه ۶

شما تمام تفاسیر اهل سنت را مشاهده کنید که مراد از فاسق چه کسی بوده است؟! مشرکین مکه بودند؟!
یهودیان خیبر بودند؟! نصاری بودند؟! یا همین «ولید بن عقبه» که این همه سنگ او را به سینه می‌زنید، بوده
است؟!!

در این آیه شریفه قرآن کریم از صحابه تعبیر به فاسق کرده است. زمانی که یک عام در یک مورد تخصیص خورده باشد، عمومیت آن ضربه می‌بیند. و دیگر در عموم حجت نیست. قاعده کلی میان تمام اصولین شیعه و سنی است که در عموم حجت نیست.

اگر عام در یک مورد تخصیص خورده باشد، دیگر حجت نیست؛ حال این تخصیص، تخصیص متصل باشد یا منفصل باشد فرقی نمی‌کند. در این مورد، عام دیگر حجت نیست و از حجت افتاده است.

شما اگر بخواهید اثبات کنید که در مستثنی منه حجت است یا نه، باید دلیل اقامه کنید؛ زیرا شما روی هر کدام دست بگذارید، ما می‌گوییم: این فرد جزو مستثنی است یا مستثنی منه است؟! نتیجه هم تابع اخص مقدمات است.

ما می‌گوییم: این مورد جزو مستثنی است. همین یک آیه برای ما کفایت می‌کند و بیش از این نمی‌خواهیم. در مورد کسی که در صف اول نماز جماعت رسول گرامی اسلام بوده است، نزد رسول الله می‌آید و از پیغمبر اکرم می‌خواهد که به او ثروت بدهد.

رسول الله خطاب به این شخص می‌گوید: مال کمی که شکر آن را به جا بیاوری بهتر از مال فراوانی است که شکرش را به جا نیاوری. شخص اصرار کرد و گفت: من مال می‌خواهم.

خلاصه با دعای پیغمبر اکرم دارایی او زیاد شد و او که همیشه در صف اول نماز شرکت می‌کرد، مدتی در صف دوم بود، بعد از آن در صف سوم شرکت می‌کرد، بعد از مدتی بعد از نماز به مسجد می‌آمد و بعد از مدتی هم نماز جماعت را ترک کرد.

بعد از اینکه آیه زکات نازل شد، رسول گرامی اسلام افرادی را برای اخذ زکات نزد او فرستادند و او گفت: من با خون دل و عرق جبین این اموال را تهیه کردم، اخذ اموال من زورگویی است و من اموال خودم را نمی‌دهم.

در این زمان آیه زکات نازل شد و افرادی نزد او آمدند و گفتند که در مورد عمل او آیه نازل شده است. او زکات اموال خود را نزد پیغمبر اکرم آورد، اما هر کاری کرد پیغمبر اکرم زکات اموال او را قبول نکرد.

این شخص در زمان ابوبکر آمد تا زکات اموال خود را بدهد، اما ابوبکر زکات اموال او را قبول نکرد. او در زمان عمر آمد تا زکات اموال خود را بدهد، اما عمر هم زکات اموال او را قبول نکرد و با همان حالت نفاق از دنیا رفت.

اگر واقعاً دیدن پیغمبر اکرم عدالت آور باشد، این شخص که مدت مدیدی یا چندین سال پیغمبر اکرم را دیده است و در صف اول هم نماز خوانده است و جزو اصحاب ویژه پیغمبر اکرم هم بوده است.

ما اسامی تعدادی از صحابه را لیست کردیم که این افراد مرتد شدند و تعدادشان به ۲۵ نفر می‌رسد. این افراد اصلاً از اسلام بیرون رفتند؛ درحالی‌که هرکدام چندین سال با پیغمبر اکرم بودند و در جنگ‌ها هم شرکت کرده بودند.

«ابن تیمیه» هم در تعریف صحابی می‌گوید:

«الصحابی: من رأى رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فى حال إسلام الرأى وإن لم تطل صحبتة له وإن

لم يرو عنه شيئاً»

مشاهده کنید که همگی یک مسیر را می‌روند، مطلق دیدن پیغمبر اکرم عدالت آور است. سپس می‌گوید:

«هذا قول جمهور العلماء خلفا وسلفا وقد نص على أن مجرد الرؤية كاف فى إطلاق الصحبة البخارى وأبو

زرعة وغير واحد ممن صنف فى أسماء الصحابة كابن عبد آبر وابن مندة وأبى موسى المدنى وابن

الأثير»

تمام کسانی که درباره صحابه کتاب نوشتند، می‌گویند: مطلق رؤیت پیغمبر اکرم کفایت می‌کند. نه اطاله

صحبت لازم است، نه نقل روایت شرط است.

الباعث الحثيث شرح إختصار علوم الحديث (م)، اسم المؤلف: ابن تيمية (م)، ج ٢، ص ٤٩١

«آمدی» هم می گوید:

«فذهب أكثر أصحابنا وأحمد بن حنبل إلى أن الصحابي من رأى النبي، صلى الله عليه وسلم وإن لم يختص به اختصاص المصحوب، ولا روى عنه، ولا طالت مدة صحبته»

الاحكام، نویسنده: الأمدی، تحقیق: تعلیق: عبد الرزاق عفیفی، چاپ الثانية، ١٤٠٢، المكتب الإسلامي،

الرياض، ج ٢، ص ٩٢، باب المسألة الثامنة

بعضی از آقایان می گویند: «محمد بن ابی بکر» سه سال قبل از رحلت پیغمبر اکرم به دنیا آمده است. او در سال هشتم هجری یعنی سال فتح که به دنیا آمد و پیغمبر اکرم در سال یازدهم هجری از دنیا رفته است. آن ها می گویند: این شخص از اصحاب پیغمبر اکرم است!

«ابن حجر عسقلانی» در کتاب «الإصابة» اسامی تعدادی از افراد را می آورد که بچه شیرخواره بودند و در مورد آن ها می گوید که این افراد از اصحاب پیغمبر اکرم بودند!

بعضی از افراد در زمان پیغمبر اکرم در رحم مادرشان بوده اند. او می گوید: ما می توانیم این افراد را هم جزو صحابه به حساب آوریم. اولین جایی که ما و اهل سنت با هم اختلاف نظر داریم، همین جاست.

ما به این افراد می گوئیم: مراد شما از صحابه چه کسی است؟ اول برای ما روشن کنید، بعد با هم می نشینیم و دعوایمان را حل می کنیم که صحابه عادل بودند یا نبودند.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته